

راهنمای رمان‌نویسی

یادداشت	۱۷
رمان کدام است؟	۲۳
رمان امروز	۲۶
جایگاه کنونی رمان	۲۸
تقد رمان	۳۴
گام نخست برای نوشتمن رمان	۳۷
نمونه طرح	۴۱
برقراری وضعیت و موقعیت	۴۱
تهیه کارت‌های شناسایی	۴۴
فصلی از رمان دندان گرگ	۴۷
رمان‌نویس، و پنج نکته‌ای که باید به آن‌ها توجه کند	۵۱
یک: برای شروع کردن رمان، همه چیز آماده شده؟	۵۲
دو. داستان درباره چه موضوعی است؟	۵۷
سه. شخصیت‌ها از چه گروه و دسته و طبقه‌ای هستند؟	۵۹

چهار. چه نوع رمانی می‌خواهید بنویسید؟	۶۰
پنج. طرح رمان شما را به هیجان می‌آورد؟	۶۳
فصلی از رمان پیش از آنکه خبر شوی عاشق شده‌ای	۶۹
چهار عامل شالوده‌ای انواع داستان	۷۹
داستان محیط	۸۱
داستان اندیشه	۸۳
داستان شخصیت	۸۵
داستان حادثه	۹۰
قراردادهای داستان‌نویس با خواننده	۹۴
زنگی پنهان	۹۹
تدارک پیرنگ کارساز داستان	۱۱۳
ساختار پیرنگ	۱۱۴
جمع‌بندی: پایان خوش	۱۱۸
فصلی از رمان زندگی را به‌آواز بخوان	۱۲۳
رمان را به پایان ببرید	۱۲۹
برنامه‌ریزی انعطاف ناپذیر	۱۲۹
برآورد گاهشماری	۱۳۱
ناقص‌الخلقه‌بودن رمان	۱۳۲
جلسه‌های داستان‌خوانی	۱۳۶
فصلی از رمان دختری با ریسمان نقره‌ای	۱۴۱
خلق داستان	۱۴۷
داستان	۱۴۷
توصیف‌های جذاب و گیرا	۱۵۲

۱۵۳	ملاحظه‌های دیگر
۱۵۴	اول شخص
۱۵۴	دوم شخص
۱۵۴	سوم شخص، دانای کل
۱۵۵	ایجاز را رعایت کنید
۱۵۵	انواع داستان
۱۵۸	کلام آخر
۱۶۱	مهاجرت
۱۷۳	خلق شخصیت
۱۷۹	ارائه شخصیت‌های اصلی
۱۸۰	شخصیت‌های فرعی
۱۸۰	ارائه شخصیت‌های فرعی
۱۸۲	گفت و گونویسی
۱۸۳	ارائه گفت و گو
۱۸۵	حاله
۲۰۵	انتخاب گوینده داستان
.....	فصلی از رمان کلاغ‌ها و آدم‌ها
۲۲۳	اهمیت گفت و گو
۲۳۰	رابطه میان گفت و گو و داستان کدام است؟
۲۳۵	تپه‌ایی مثل فیل‌های سفید
۲۴۵	مهم‌ترین صورت‌های جدایی رمان از داستان کوتاه
۲۶۱	موج
۲۶۷	چگونه می‌توان از داستان کوتاه، رمانی آفرید؟
۲۷۰	پیرنگ در رمان

۲۷۵	قتل نفس
۲۸۱	صحنه، شالوده سوم
۲۸۳	عمق بخشیدن به ویژگی‌های صحنه
۲۸۳	چشم‌های جست و جوگر
۲۸۶	کلمه‌های نمادین فضا و رنگ و حال و هوا
۲۸۷	ارائه حسن‌ها در توصیف صحنه
۲۸۸	نشان دادن حس از طریق چشم شخصیت
۲۹۱	بیداری دریا
۲۹۹	صحنه و پیامد
۳۰۰	هدف‌مندکردن داستان
۳۰۱	خلق صحنه‌های هدفمند
۳۰۳	صحنه باید کشمکشی را همراه بیاورد
۳۰۶	پایان صحنه
۳۰۷	خلق پیامد
۳۱۰	نظرارت برآهنگ روایت داستان
۳۱۱	نحوه ارائه
۳۱۳	پرداخت صحنه
۳۱۷	نمونه اول
۳۲۳	نمونه دوم
۳۲۹	ارتباط درونمایه با عناصر دیگر داستان
۳۲۹	تعریف درونمایه
۳۳۰	پیرنگ به عنوان درونمایه
۳۳۲	تأثیر یه عنوان درونمایه
۳۳۳	سبک به عنوان درونمایه

شخصیت به عنوان درونمایه	۳۳۴
عقیده (ایده) به عنوان درونمایه	۳۳۵
بیانیه اخلاقی	۳۳۷
شأن انسانی	۳۳۹
تفسیر اجتماعی	۳۴۰
طبیعت انسان	۳۴۲
ارتباط‌های انسانی	۳۴۴
معصومیت تجربه	۳۴۵
بابا	۳۴۷
«آره‌ها» و «نه‌ها» در آفرینش داستان	۳۷۱
نام تو آبی است	۳۷۹
کاربرد بازگشت به گذشته	۳۹۳
هلله‌کنان می‌آمدند	۴۰۱
ارائه حادثه‌های تصادفی در داستان	۴۱۱
hadثه‌های تصادفی قابل پذیرش	۴۱۴
نمونه پیرنگ فرعی	۴۱۷
نشان بدء، توضیح نده	۴۱۹
درخت مو	۴۲۷
بازنویسی	۴۳۳
آمد و شد	۴۴۷
کاربرد کلمه‌ها و جمله‌ها، پرهیز از کلیشه‌ها	۴۶۵
فصلی از رمان بادها خبر از تغییر فصل می‌دهند	
ضابطه‌های مکتبی داستان‌ها	۴۸۵

۴۹۵	شیوه کار نویسنده‌ها
۵۰۷	نواع رمان
۵۱۷	رمان آداب و رسوم
۵۱۹	رمان آرمانشهری
۵۲۱	رمان اجتماعی
۵۲۲	رمان احساساتی
۵۲۲	رمان اعتراضی
۵۲۳	رمان التقاطی
۵۲۴	رمان انتقاد اجتماعی
۵۲۵	رمان انعکاسی
۵۲۶	رمان بازاری
۵۲۶	رمان پاورقی
۵۲۷	رمان پرولتاریایی
۵۲۸	رمان پلیسی و جنایی
۵۳۰	رمان پیکارسک
۵۳۲	رمان تاریخی
۵۳۴	رمان تبلیغی
۵۳۵	رمان تجربی
۵۳۵	رمان ترسیمی
۵۳۶	رمان تمثیلی
۵۳۷	رمان جادوگری
۵۳۸	رمان جریان سیال ذهن
۵۴۰	رمان چندآوازی
۵۴۱	رمان حادثه‌ای

۵۴۲	رمان خاطره‌گونه
۵۴۳	رمان خطی؛ رمان غیر خطی
۵۴۴	رمان خوش ساخت
۵۴۴	رمان خیال و وهم
۵۴۵	رمان داستان کوتاه
۵۴۶	رمان دانشگاهی
۵۴۷	رمان دنباله‌دار
۵۴۷	رمان دوره‌ای
۵۴۸	رمان رسالتی
۵۴۹	رمان رشد و کمال
۵۵۱	رمان رمانتیک
۵۵۲	رمان روان‌شناسی
۵۵۳	رمان روودوار
۵۵۵	رمان زمان
۵۵۵	رمان زمین
۵۵۶	رمان زندگی نامه‌ای
۵۵۶	رمانس روستایی
۵۵۷	رمانس شهسواری
۵۵۷	رمان سیاسی
۵۵۸	رمان شبه خود زندگی نامه
۵۵۹	رمان شخصیت
۵۶۰	رمان ضدآرمانشهری
۵۶۰	رمان عصر
۵۶۱	رمان عقاید
۵۶۱	رمان عمل
۵۶۲	رمان غنایی

۵۶۵	رمان فلسفی
۵۶۵	رمان کلانگرا
۵۶۶	رمان کلیددار
۵۶۶	رمان کوتاه
۵۶۷	رمان گوتیک
۵۶۹	رمان محلی
۵۶۹	رمان مستندگونه
۵۷۰	رمان غیرتخیلی
۵۷۱	رمان منظومه‌ای
۵۷۲	رمان ناب
۵۷۴	رمان ناحیه‌ای یا اقلیمی
۵۷۵	رمان نمادین
۵۷۸	رمان نمایشی
۵۷۹	رمان تو
۵۸۱	رمان وقایع‌نامه‌ای
۵۸۱	رمان‌های زنجیره‌ای
۵۸۳	آسیب‌شناسی داستان
۵۹۰	داستان، موجودی زنده
۵۹۹	فصلی از رمان شب چراغ
۶۱۵	رمان خوب کدام است؟
۶۳۱	واژه‌نامه اصطلاحات ادبیات داستانی
۶۶۳	فرهنگ واژه‌ها (فارسی - انگلیسی)
۷۰۷	فرهنگ واژه‌ها (انگلیسی - فارسی)

یادداشت

کتاب‌های پژوهشی ای که تاکنون درباره داستان، داستان‌نویس‌ها و داستان‌نویسی به این قلم انتشار یافته، از مرز ده‌تا گذشته است. در آن‌ها بیشتر به طور کلی به داستان، به معنای عام و خاصش (ادبیات تخیلی - ادبیات روایتی) و به خصوص به ویرگی‌ها و مشخصات داستان کوتاه پرداخته شده است و صورت‌های جدایی و اشتراک آن‌ها (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان) و انواع آن‌ها از نظر نوع (داستان‌های چخوفی، همینگویی و جویسی و...) و کیفیت مکتبی آن‌ها (داستان‌های واقع‌گرا، تمثیلی، نمادین و...) را توضیح داده‌ام.

کتاب راهنمای رمان‌نویسی، خاص رمان است و به خصوصیت‌های ساختاری و معنایی و انواع متنوع آن‌ها پرداخته است و این پرداخت بیشتر از نظر عملی است تا تئوریک و نظری. از این‌رو، این کتاب به کلی از کتاب‌های دیگر من متفاوت است، گرچه ممکن است چندتایی از بخش‌های آن با بخش‌های کتاب‌های قبلی همخوانی داشته باشد، اما در کل مطالب و مسائلی که در این کتاب آمده، پیش از این کمتر در کتاب‌های دیگر وجود داشته است.

از این‌نظر، سعی شده بیشتر راهکارهای نگارش رمان به صورت عملی ارائه شود و تنگناها و راه‌های بیرون رفت از دشواری‌ها و

انحراف‌ها و جلب خواننده‌ها مورد بحث و بررسی بیشتری قرار بگیرد و به نویسنده‌هایی که می‌خواهند در این راه گام بردارند، نکته‌ها و توصیه‌های ضروری داده شود.

فکر نوشتن چنین کتابی، وقتی به سر من افتاد که دوست‌های دانشجوی من براین امر اصرار داشتند که در کنار جلسه‌های یادگیری داستان کوتاه‌نویسی، به جلسه‌های رمان‌نویسی نیز توجه شود.

در سفری که در ۱۳۸۸ برای دیدن دخترم به امریکا رفتم، به کتابی در زمینه رمان و رمان‌نویسی بربخوردم که در ابتدا مرا بسیار خوشحال کرد، اما وقتی این کتاب را به دست آوردم و به مطالعه آن پرداختم شادی ام بسیار کم شد. کتاب مجموعه‌ای از مقاله‌هایی از نویسنده‌های امریکایی بود که راهکارها و پیشنهادهایی درباره نگارش رمان ارائه داده بودند و پنج نفر آن‌ها را ویرایش کرده بودند. عنوان کتاب این بود:

The writer's Digest Hand Book of novel writing [Edited by tom Clark, William Brohaugh, Bruce Wooks, Bill Strickland, peter Blocksom.

مقالات‌ها به طور کلی درباره رمان‌های پولساز امریکایی بود و رمان‌های پلیسی و جنایی، کارآگاهی، مهیج، جاسوسی، اسرارآمیز، خیال و وهم (علمی خیالی، تمثیلی، نمادین) را دربر می‌گرفت، یعنی رمان‌های تفریحی یا گریز و کمتر به رمان‌های جدی یا تفسیری پرداخته شده بود و از نویسنده‌های نام‌آور معاصر چون فاکنر، همینگوی و نویسنده‌های بعد از آن‌ها، سلینجر، جان آپدایگ، دکتروف، کارور، چیور و... و کتاب‌هایشان نامی به میان نیامده بود.

آنچه مرا بیشتر مبهوت کرد، مقاله‌های متنوع و متعدد این کتاب دویست و شصت صفحه‌ای از نویسنده‌هایی بود که من اسم آن‌ها را نشنیده بودم و داستان‌هایی از آن‌ها نخوانده بودم و داستان کوتاه و رمان‌هایی از آن‌ها به جز دو - سه نفر به فارسی ترجمه نشده بود. از نویسنده‌هایی نام برده شده بود که به گروه رمان‌نویس‌های تفریحی تعلق داشتند، مثل دانیل استیل، استی芬 کینگ و آرتور کلارک، اما چهارچوب اغلب مقاله‌ها و بررسی و پیشنهادهای نویسنده‌های مقاله‌ها درباره نگارش رمان تقریباً قابل توجه و کاربردی بود. بنابراین، من اساس کتاب راهنمای رمان‌نویسی را برعیضی از پیشنهادهای آن‌ها گذاشتم و مطالب و مقاله‌های دیگری درباره رمان‌های جدی و تفسیری برآن‌ها افزودم و در نوشتن بخش‌های کتاب از تجربیات و کتاب‌های دیگرم و همچنین از کتاب‌های دیگری بهره گرفتم و این کتاب را به سرانجام رساندم. تأکید و اصرار من برخلاف کتاب مزبور برداستان‌های جدی و تفسیری است که برای خود در جهان اعتبار ماندگاری فراهم آورده و در اعتلای فرهنگ و دانش و روشنگری اذهان مردم گام‌های بلندی برداشته‌اند.

در ضمن، برای اینکه کتاب بیشتر جنبه علمی و کاربردی پیدا کند، نمونه‌هایی برای هر بخش آورده شده. این نمونه‌ها بیشتر، داستان‌های کوتاهی است که دارای ویژگی‌های مورد بحث در بخش‌های کتاب است، چون در بسیاری از عناصر ساختاری و معنایی، داستان کوتاه با رمان اشتراک دارند و استفاده از داستان‌های کوتاه برای بازنمایی مطالب بخش‌ها بیشتر امکان‌پذیر بود از این نوع اثر، نمونه آوردم. در بخش‌هایی که امکان آن وجود داشته است، از نمونه‌های رمانی نیز استفاده شده است. همه نمونه‌ها از آثار منتشر شده خود من

است و تنها یک نمونه از ارنست همینگوی داده شده که آن را نیز خودم به فارسی برگردانده‌ام. به خصوص از رمان «دندان گرگ» به مناسبت نام بردۀ‌ام و ویژگی‌های پیشنهاد شده و نمونه‌وار را در آن نشان دادم.

گفته‌اند هرکسی می‌تواند حادثه‌های زندگی خود را در قالب رمانی ارائه کند، از این‌رو، این کتاب تنها برای نویسنده‌ها نیست، بلکه مخاطب‌های عامی نیز دارد. مخاطب‌هایی که با ویژگی‌هایی از فوت و فن رمان‌نویسی در این کتاب آشنا می‌شوند و اگر روزی اراده کنند، می‌توانند ماجراهای زندگی خود را به صورت رمان درآورند. در ضمن با خواندن این کتاب، خواننده، شناخت و اطلاعاتی به دست می‌آورد که «هنر خواندن» را به او می‌آموزد و بهره و لذت بیشتری می‌برد. به این نکته نیز اشاره کنم که در ادبیات غرب به هرروایت خلاقه «داستان» گفته می‌شود، چه داستان کوتاه و چه رمان و انواع آن‌ها، در این کتاب هرجا از «داستان» صحبت می‌شود، مورد نظرم داستان به معنای عام آن و به خصوص رمان است، نه داستان کوتاه، مگر آنکه آن را مشخص کنم.

در پایان کتاب، ضمیمه‌ای از «واژه‌نامه اصطلاحات ادبیات داستانی» آورده‌ام و همچنین «فرهنگ واژه‌ها، به فارسی و انگلیسی» آمده که در درک و دریافت مفاهیم و مصادیق مطالب، نویسنده‌ها و مشتاقان را یاری می‌دهد، از این‌رو خواننده‌ها می‌توانند برابرهای انگلیسی اصطلاح‌های ادبی فارسی را که در متن آمده، در پایان کتاب پیدا کنند.

اگر این کتاب بتواند گرهای از کار نویسنده‌های جوان و جویندگان و مشتاقان این راه باز کند، هدف من از نگارش آن برآورده شده است.

در پایان از دوستان عزیزم خانم نیکو خاکپور و خانم عشرت رحمانپور برای بازخوانی و تصحیح متن و آقای حسن نیکبخت مدیر حروفچینی گنجینه، برای نظارت دقیق برامر حروفچینی و صفحهآرایی سپاس بسیار دارم.

جمال میرصادقی

خرداد ۱۳۸۹

رمان کدام است؟

اصطلاح فرانسوی رمان برای آثار متنوع و گوناگونی به کار برده می‌شود که وجه مشترک آن‌ها منتشر و داستانی و طولانی بودن آن‌هاست. تعریف‌هایی که برای رمان داده شده متنوع است و هر کدام بر نوعی از رمان قابل تطبیق است، از آن جمله تعریفی است که ویلیام هزلیت (۱۸۳۴-۱۹۱۳ م) منتقد و نویسنده انگلیسی در قرن نوزده ارائه داده است:

«رمان داستانی است که براساس تقلیدی نزدیک به واقعیت از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از انحصار تصویر جامعه را در خود منعکس کند.»

در فرهنگ و بستر رمان چنین تعریف شده:

«روایت خلاقه‌ای به نثر که معمولاً طولانی و پیچیده است و با تجربه انسانی سروکار دارد و از طریق توالی حوادث بیان می‌شود و در آن گروهی از شخصیت‌ها در صحنهٔ مشخصی شرکت دارند.»

در فرهنگ اصطلاحات ادبی هری‌شا، رمان چنین تعریف

شده: «روایت منتشر داستانی طولانی که شخصیت‌ها و حضورشان را در سازمان‌بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌ها تصویر کند. اثر داستانی که کمتر از سی تا چهل هزار کلمه داشته باشد، غالباً قصه، داستان کوتاه، داستان بلند، ناولت محسوب می‌شود، اما رمان حداکثری برای طول و اندازه واقعی خود ندارد. هر رمان، شرح و نقلی است از زندگی. هر رمان متن‌بین کشمکش، شخصیت‌ها، عمل، صحنه‌ها، پیرنگ و درونمایه است.»

رمان با دن کیشوت، اثر سروانتس، (۱۵۷۴-۱۶۱۶ م) شاعر و نویسنده اسپانیایی تولد یافت و با رمان شاهزاده خانم یک‌نوشتۀ مادام دولافایت (۱۶۳۴-۱۶۹۳ م) نویسنده فرانسوی و رمان‌های آلن رنه لو ساز (۱۶۶۸-۱۷۴۷ م) نویسنده فرانسوی، به خصوص با اثر مشهورش، رمان پیکارسک ژیل بلاس بنیاد نهاده شد و با رمان‌هایی چون دوبنسون کروزوه نوشتۀ دانیل دفو (۱۶۶۰-۱۷۳۱ م) و پاملا اثر ساموئل ریچاردسون (۱۶۸۹-۱۷۶۱ م)، تام جوتز نوشتۀ هنری فیلدینگ (۱۷۰۷-۱۷۵۴ م)، تریستام شنیدی اثر لارنس استرن (۱۷۱۳-۱۷۶۸ م) داستان‌نویس انگلیسی آیانهو نوشتۀ والتراسکات (۱۷۷۱-۱۸۳۲ م) نویسنده اسکاتلندی رو به کمال گذاشت. پیش از دن کیشوت، اثری در چنین قالب هنری‌ای در ادبیات جهان پیدا نمی‌شد. پیش از آن حماسه‌های منتشر و منظوم، لطیفه‌ها و حکایت‌های اخلاقی و افسانه‌های تمثیلی، اسطوره‌ها و رمانس‌ها موجود بود که از نظر معنا و کیفیت ساختاری با رمان به مفهوم امروزی تفاوت بسیار داشت.

شکل تازه ادبی‌ای که ما در رمان مجسم می‌بینیم، یعنی خلق داستانی منتشر و طولانی با تأکید برواقعیت و اصالت و تجربیات و

تخیلات و روان‌شناسی فردی و گروهی، هرگز گذشته‌ای طولانی نداشته است و تاریخ پیدایش و طلوع آن در ادبیات جهان از سه قرن تجاوز نمی‌کند. در حقیقت، وقتی آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد، داستان‌نویسی یعنی داستان کوتاه و رمان نیز تولد یافت زیرا تا پیش از دوره نو زایی، فرد از خود شناخت و هویتی نداشت و وابسته به تشکیلات مذهبی و اقتصادی و بنیادهای اجتماعی بود و اراده و سرنوشتش در دست جمع یا صنف و گروه خود قرار داشت و هویت خود را وقتی پیدا کرد که از این جمع و گروه جدا و مستقل شد. این جدایی و استقلال فردی در طی قرن‌های هفدهم تا نوزدهم یعنی در جامعهٔ صنعتی و دورهٔ رشد و اعتلای طبقه‌ای که بعدها از آن به عنوان طبقهٔ بورژوا یاد شد، به تدریج تحقق یافت. از اوآخر قرن هفدهم، جهان‌بینی انسان، از جهان‌بینی قهرمان‌ها جدا شد. شناخت افراد از مسائل تغییر یافت. برای اولین بار خصوصیات عاطفی و درونی و تجزیه و تحلیل‌های روحی به ادبیات راه یافت و رمان به معنی واقعی و امروزی آن به وجود آمد. خلق رمان شاهزاده خانم کلو در ۱۶۷۸ اولین طلوع این نوع رمان‌هاست که گرچه قالبی چون رمانس‌های تاریخی دارد، از خصوصیات رمان‌های امروزی برخوردار است. در این رمان برای اولین بار بیش از نقل کلیاتِ وقایع و حالات، به خصوصیت‌های روحی و خلقی شخصیت‌ها و جزئیات اوضاع و احوال توجه شده است.

در ادبیات داستانی، در بیشتر زبان‌های اروپایی از اصطلاح رمان استفاده می‌شود که از رمانس Romance مشتق گفته شده است. در انگلیسی به جای «رمان» واژهٔ دیگری یعنی Novel را

به کار می‌برند که از واژه ایتالیایی «نولا» Novella به معنی چیزکوچک و نو، گرفته شده است و به قصه‌های کوتاه و منتشر گفته می‌شده است، مثل قصه‌های دکامرون اثر جوانی بوکاچیو قصه‌نویس ایتالیایی (۱۳۱۳-۱۳۷۵).

در زبان فارسی گاهی کلمه نوول nouvelle را که به معنای داستان کوتاه است به جای رمان به کار می‌برند که صحیح نیست. نوول کلمه‌ای است فرانسوی و نوعی از داستان کوتاه است.

رمان امروز

«رمان کم و بیش شکل نوینی از ادبیات است که ما اغلب نقطه شروع آن را مقارن با دن کیشوت سروانتس (۱۶۰۵-۱۶۱۵) می‌دانیم، و در هیچ یک از فرهنگ‌های گذشته جهان نیز به آن برنمی‌خوریم. قدمت روایت به قدمت زمان می‌رسد؛ و حتاً روایت کتبی نیز تاریخی بس دراز دارد. اما رمان شکل خاصی از روایت است که همان ابداع داستانی بلند و منتشر است با تکیه بر واقع‌گرایی؛ و حاصل تجربیات و تخیل دست اول فرد است که ضمناً جنبه عام و جهانی ندارد. در فرهنگ خود ما (منظور فرهنگ نویسنده است. م)، رمان شکل عمدتاً ادبی در ۲۵۰ سال گذشته بوده است و این موضوع هنوز هم به قوت خود باقی است. در قرن هجدهم، رمان مدافع و حامی زنان خانه‌دار و مستخدمان باسواد بود و در قرن نوزدهم مواد خواندنی برای خانواده‌ها تهیه می‌کرد. در قرن حاضر، یعنی قرن بیستم نیز ساعات فراغت و ساعات مسافرت‌های طولانی

با قطار و سفر با هواپیما را پر کرده است؛ و به رغم یافتن رقبای پرمدعایی چون سینما و تلویزیون هنوز هم خوانده می‌شود و جاذبه دارد. در فرهنگ ما تعداد قابل توجهی رمان نوشته و منتشر شده است و بعد خریده شده یا به امانت گرفته شده و امید است که هرسال همچنان خوانده شود. رمان سلیقه‌های گوناگون و متفاوت خوانندگانش را، با درجات مختلفی که از نظر جدی بودن دارند، برآورده است. اگر از ما بپرسند که چرا او قاتمان را صرف خواندن اوراقی که پر از دروغ است می‌کنیم یا اینکه چرا باید تحت تأثیر تجزیه و تحلیل‌هایی که از مردم، جامعه و زندگی می‌شود قرار بگیریم - با علم به اینکه این‌ها را افرادی نوشته‌اند که به طور حرفه‌ای و علمی جهت تجزیه و تحلیل این‌گونه مسائل تربیت نشده‌اند - شاید نتوانیم پاسخ دهیم. رمان با ترکیب تخیل و واقع‌گرایی، مدت مديدة است که ما را به دلایل مختلف مجدوب خود کرده است. گاهی تنها به خاطر اینکه روایت ساده‌ای است، و گاهی به دلیل اینکه تفسیر پیچیده‌ای از تجربیات است. گاهی هم تنها به این دلیل که شگردی هنری است و هنوز هم به رغم رشد تخصص‌ها و مهارت‌ها در زمینه علوم انسانی، و با وجود اینکه آشکال نوینی از هنر ظهر کرده است، نشانه‌های اندکی در دست است که رمان از انجام چنین کارهایی باز ایستاده است. به بیان دیگر، این نوع نوشتمن تجربی و دست اول هنوز قدرت خود را حفظ کرده است. البته رمانی که ما امروز می‌شناسیم با رمانی که در قرن هجدهم یا حتی در قرن نوزدهم بوده، کاملاً متفاوت است.

زیرا در نهایت رمان همان آمیزه تجربیات است و چون جامعه، عقاید و تجربیات تغییر کرده است و محتوای ذهنی بشر با آنچه در گذشته بوده، متفاوت است، بنابراین رمان نیز تغییر کرده است. البته توالی حفظ شده و این شکل آزاد و فراگیر، نوعی از تداوم بنیادی را همواره داشته است.

گاهی گفته می‌شود که رمان مرده است، ولی مطمئناً چنین نیست. رمان شکل قابل انعطاف و متغیری دارد و شاید همین نکته باعث شده تا بقايش تضمین شود و توانش را برای تشریح و کاوش جامعه انسانی و ساختن آن، یعنی کاری که همیشه می‌کرده، حفظ کند.

جایگاه کنونی رمان

وقتی رمان زاده شد، از برخی جنبه‌ها همین رمان بود؛ یعنی محصول فرهنگی محیطی جدید، و دو چیز بنیادی یعنی وسیله‌ای جدید و مخاطبان جدیدی را به وجود آورد. وسیله همان کتاب‌های آماده و چاپ شده تجاری بود، که بعداً روی کاغذهای ارزان قیمت و کتاب‌های کوچک و جیبی چاپ شد و سواد عموم مردم را بالا برد؛ و مخاطبان آن طبقه رو به رشد کاسبکار شهری بود که ذاته و ارزش‌های تازه‌ای داشت. رمان نحوه تازه‌ای از نگرش به زندگی را همراه آورد و در ادامه موجب بسط هنر از نظر فنی و از لحاظ اجتماعی شد. بعد شکل داستانی و روایی مردم‌پسندی شد و کارش پرداختن به تجربیات نسبتاً آشنایی شد که با زبانی نسبتاً صمیمانه نوشته

می شد. بنابراین رمان به قول یکی از منتقدان، نوعی «حمسه شهرنشین‌ها» بود. و از آن پس تا به امروز، رمان خواسته تا حداکثر بهره را از افسون و جاذبهٔ بنیادی‌ای که نقل داستان دارد ببرد، مخاطبان بسیار زیادی را جذب کند؛ از اسطوره‌های مردم‌پسند استفاده کند و بالاخره با تجربیات نسبتاً آشنا و عادی مواجه شود. همچنین سعی کرده پا به پای تمایلات جدید و طبقات رو به رشد، پیش برود و خود را با شیوه‌های نوین چاپ و انتشار هماهنگ کند. رمان با رشد خود بیش از آشکال دیگر هنری، به مرز ادبیات و مادون ادبیات نزدیک شده است؛ و اخیراً به سمت نوعی داستان‌گویی ساده، روزنامه‌نگاری، بحث و جدل و نوشه‌های ارشادی و اخلاقی کشانده شده است. در ضمن جدی‌تر و پیچیده‌تر هم شده است و خودش را به عنوان قابل‌انعطاف‌ترین و شایسته‌ترین قالب هنری تثبیت کرده است.

اکنون بار دیگر، انقلابی نو در وسائل ارتباط جمعی و مخاطبان رخ داده است، و دوباره صنعت و فنون همگام با تغییرات اجتماعی پیش می‌رود. البته اکنون تغییرات صنعتی از صنعت چاپ دور شده و متوجه وسائل ارتباط جمعی الکترونیکی همچون رادیو، سینما و تلویزیون شده است که تقاضاهای تجاری فراوان هم باعث شده تا حداکثر بهره از آن‌ها برده شود. تغییرات اجتماعی عبارت از همان رشد جامعهٔ انبوه و یکپارچه است، جامعه‌ای که لایه‌های طبقاتی اش بسیار کمتر است و انبوه‌تر و یکدست‌تر شده است.